

نوجوان و جمع خانوادگی

یلدا، تماشاچی نمی خواهد

الهام اسماعیلی
نویسنده

آخرین روز فصل پاییز و کوتاه ترین روز سال را با شور و اشتیاق برای جمع شدن در کنار هم و خانواده مان آغاز می کنیم. همه بزرگترها برای این جشن، در تدارک هستند، از خرید آجیل و شیرینی و انار و هندوانه تا پختن انواع آش میوه یا رشته. در این جشنواره رنگ و خوراکی بچه ها چه جایگاهی دارند؟ کودکان مادر این شب در چه شرایطی هستند؟ بچه ها عموماً در حال تماشا هستند. در سال های گذشته - که تعداد کودک و نوجوانان فامیل زیاد بود و هر یک برای خودشان یار و یاور داشتند - به شوق دیدار هم در خانه بزرگ فامیل جمع و به بازی مشغول می شدند از بازی های حرکتی و خاله بازی تا اسم و فامیل بین نوجوان ها.

امادر سال های اخیر و با ظهور پدیده تلفن هوشمند و سروکله زدن نوجوان ها با این اسباب بازی جدید، باعث شد که صدای اعتراض ریش سفیدها بلند شود که «دودقیقه اومدیم خودتون رو ببینیم، همه ش سرتون تو گوشی بود.» بعد از این واقعه بود که برنامه جمع کردن گوشی ها در ابتدای شب و گذاشتن آن ها در یک سبد، به یکی از آیین های شب چله اضافه شد و بسیار مورد تقدیر همگان از جمله مادر بزرگ ها قرار گرفت. البته که باعث ناراحتی نوجوان ها شد. با شروع پاندمی کووید ۱۹ و تغییر در شرایط ارتباطات اجتماعی، منع رفت و آمد در سال انزوا و خانه نشینی، همین گوشی که شبی موجب فصل بود، حالا شب یلدا بانی وصل شده بود. اعضای فامیل با تماس های تصویری با کیفیت که آن زمان خبری از فیلترهای گسترده نبود، دور هم جمع شدند و نوجوان ها با فیلترهای مختلف اینستاگرام و اسنپ چت شب خوشی را با دوستان شان در فضای مجازی گذراندند. چرا سال های کرونا، شب یلدا از دید نوجوان ها بهتر بود؟ چرا هر چه پیش می رویم برگزاری این مراسم برای کودک و نوجوان کسل کننده تر است؟

و ترجیح می دهند در خانه بمانند؟! چرا تمایل نوجوانان به شرکت در برنامه های هالووین یا کریسمس که با فاصله کمی، قبل و بعد از شب چله است، بسیار بیشتر از مراسم سنتی ایرانی است؟ در صحبت با آنها و مشاهده رفتار چند نوجوان نزدیکم، متوجه شدم که چند دیدگاه در این مورد دارند. در شب چله واقعاً نوجوان اثر کمزنگی دارد، چه در انجام کارها، چه در نحوه برگزاری مراسم کم پیش می آید که خانواده ای از نوجوانش مشورت یا کمکی بخواهد یا اجرای بخشی از رسوم شب چله را برعهده او بگذارند مثلاً نوجوان مسئولیت داشته باشد تا چند بازی دسته جمعی یا خانوادگی را پیدا کند و در آن شب ضمن آموزش به همه، آن را بازی کنند یا اگر اهل بازی دیجیتال است در کنسول خودش، بازی های گروهی را انتخاب و برای آن شب دانلود و نصب کند. یک لیگ بازی دیجیتال راه اندازد و اهالی بازی، کنار هم بازی کنند یا داستان یا افسانه عامه ای از این شب و آخر پاییز و برتری نور بر تاریکی را انتخاب کند و برای همه بخواند یا شعرخوانی از حافظ را نوجوان جمع انجام دهد.

سپردن مسئولیت و بخشی از کار یا اجرای برنامه به نوجوانان فامیل و حذف نقش تماشاگر بودن در این شب چله، آنها را به حضور کنار بزرگان مشتاق می کند. نوجوان علایق و تمایل های متفاوت و متضادی را در درون خودش دارد. همانقدر که می تواند در حد خودش مسئولیت پذیر و مقید باشد، می تواند لاقید و اهل ژینگول بازی های مراسم هالووین و عکس گرفتن هایش باشد، اگر به آن جنبه مثبت نوجوانی توجه و از آن استفاده نکنیم، به سمت خودابرازی منفی در این برنامه ها کشیده می شود و خانواده و نوجوان در مقابل هم قرار می گیرند. از طرفی نوجوان به برنامه هایی که پررنگ و لعابند و بیشترین حد لذت را با تشریح دوپامین دریافت می کنند، بیشتر علاقه و تمایل دارند.

اما چه کنیم که این دو قطبی اتفاق نیفتد؟

می توانیم با یک شبیه سازی مثبت و کوچک، برای شب چله هم با مشورت نوجوان، تم انتخاب کنیم و از نوجوان ها یا بزرگترها بخواهیم که با آن همراهی کنند، تم هم می تواند محتوایی باشد، هم یک رنگ یا لباس خاص. گمان می کنم که بزرگان فامیل هم برای تنوع و هم دیدن نوجوانان دست همکاری به شما می دهند و برای خودش نیز لحظات شاد و مفرحی را به وجود خواهند آورد. اگر اصل در کنار هم بودن تمام اعضای فامیل از کوچک تا بزرگ است، می توانیم با تغییر جزئی در روند اجرای مراسم و با حوصله ای بیش از گذشته، بدون نصیحت و تزریق احساس گناه به کودک و نوجوان مان، همراهی آنها را با خودمان برانگیزیم و یک خاطره خوش از دوره می فامیل برایشان بسازیم.



اگر اصل در کنار هم بودن تمام اعضای فامیل از کوچک تا بزرگ است، می توانیم با تغییر جزئی در روند اجرای مراسم و با حوصله ای بیش از گذشته، بدون نصیحت و تزریق احساس گناه به کودک و نوجوان مان، همراهی آنها را با خودمان برانگیزیم



تمرکز و توجه نوجوان و جوان را از چیزی که به آن مشغول است

می گیریم و ارائه ای جدید برای او داریم. ذائقه سازی می کنیم و چون اصالت، زیبایی و سادگی را حفظ کرده ایم، پس پذیرفته می شویم. به این نیاز نداریم که مستقیم و جدی به آن اشاره کنیم. بلکه در سیر ماجرا، شکل، رفتار و واکنشی که نسبت به این نمود فرهنگی داریم، آرام آرام می بینیم که تمایل نوجوان و جوان به آن شکل می گیرد. حتی در ادامه و در سال های بعد دیگر مصرف کننده صرف جشن نیست، بلکه خودش هم با خلاقیت و ایده های نو دست به تولید می زند و این فرهنگ و هویت ملی را در گذر زمان حفظ می کند.

دریچه به آفاق باز می شود

یک فرصت راهبردی برای حوزه محتوا در فرهنگ و رسانه در مرورگر گوگل جست و جو کردم، کتاب ایرانی درباره یلدا، فیلم سینمایی درباره یلدا، سریال درباره یلدا، موسیقی و ترانه درباره شب یلدا. چیز دندان گیری پیدا نکردم. سعی کردم به خاطر بیاورم کدام نما، تصویر، صحنه و قصه درباره جشن یلدا بوده یا در شب یلدا اتفاق افتاده و ادبیات ما از آن به عنوان محتوا استفاده کرده؟ متأسفانه کم و کیفش کمتر از انگشتان دست بود. باورم نشد که یک چنین فرصت راهبردی در حوزه فرهنگ داریم و از آن غافلیم؛ چیزی که کشورهای دیگر خیلی سال ها قبل به آن رسیده اند و هرطوری هست اندازه یک سر سوزن به فرهنگ و هویت خود در داستان ها و تولیداتشان اشاره می کنند و حتی دل ما را در این سوی کره خاکی می برند. ما با اینکه یک ایده خام اما غنی به نام جشن یلدا یا عید نوروز و غیره داریم، اما محتوا، تصویر، داستان، فیلم، سریال و ادبیات روشن، قابل اتکا و جدیدی از جشن یلدا نداریم. آن را در فروشگاه های آنلاین جوراب و لباس و کیک یلدا و میهمانی های خانوادگی محصور کرده ایم. منظورم این نیست که مشخصاً و مستقیماً و خیلی تیز درباره این جشن ها تولید محتوا شود، بلکه منظورم این است که مثلاً در یک سریال چند فصلی تلویزیونی یا نمایش خانگی، قصه یک قسمتش مثلاً در جشن یلدا پیش برود. یا در یک انیمیشن، جهان داستانی فانتزی و خیالی از جشن یلدا برای کودک و نوجوان تولید و ارائه شود. یا در مجموعه داستانی مصور یا مکتوب رمان های جذاب و مختلفی نوشته شود. یا ترانه خوان ما آلبومش را در این ایام منتشر کند و کمترین لطفش به هویت ملی، نامگذاری آلبوم یا ترانه اش به نام این جشن های فرهنگی باشد و غیره. راستش را بخواهید من ظرفیت پرداخت به جشن یلدا یا نوروز و ماندگاری آن در هر قالبی از رسانه را چیزی شبیه مجموعه هری پاتر می بینم، چیزی که حتی بین المللی شود و در کنار اینکه ما به یاد ترانه ای مرتبط با کریسمس بیفتیم، فردی در آن سوی کره خاکی را به یاد جشن طولانی ترین شب سال ما بیندازد و شوق شرکت در آن را داشته باشد. اما کودل ناغافل و بالاخواه فرهنگ و دلسوز مردم!؟